


دوره‌نامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۵، شماره ۱، (پیاپی ۸۶/۱) بهار و تابستان ۱۴۰۱  
مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

10.52547/HLIT.2022.227505.1135 

## معرفی منظومه جذبه حیدری

### اثر احسن بنگالی و متن‌شناسی آن (ص ۱۳۳-۱۵۶)

علی‌رضا ماندگاری<sup>۱</sup>، محمدرضا معصومی<sup>۲</sup>، جلیل نظری<sup>۳</sup>

#### چکیده

یکی از منظومه‌های دینی که در سرزمین شبه قاره و در تکمیل کتاب حمله حیدری باذل مشهدی سروده شده است جذبه حیدری نام دارد. این منظومه را «عبدالعلی‌خان بنگالی» متخلص به «احسن» در سال ۱۱۵۱ ه.ق. به اتمام رسانده است. جذبه حیدری در قالب مثنوی و حدود ۸۰۰۰ بیت است. احسن بنگالی در این اثر، از خلافت تا شهادت حضرت علی (ع) و سه نبرد جمل، صفین و نهروان را به نظم کشیده است. این مقاله که به معرفی و بررسی جذبه حیدری و متن‌شناسی آن اختصاص دارد به شیوه توصیفی و با استناد به نسخ خطی منظومه و دیگر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاعر در نقل وقایع، به قول راویان و استناد به منابع موجود، پایبند است. وی نوع ادبی «ساقی‌نامه» را در آغاز داستان‌ها گنجانده است و در خلق تصاویر حماسی، بیشترین استفاده را از «اغراق» کرده است. ذکر وقایع همراه با جزئیات و در قالب توصیف‌های مبسوط در سراسر منظومه مشهود است.

کلیدواژه‌ها: احسن بنگالی، جذبه حیدری، متن‌شناسی

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

Mandegari52@yahoo.com

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

Mohammadreza.Masoumi@iaui.ac.ir

jnazari1334@yahoo.com

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

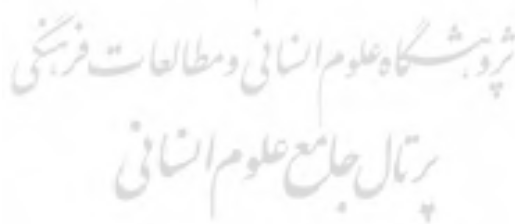
## Introducing the Poem *Jazbe-ye Heydari* by Ahsan-e Bangali and a Text Analysis of It

Alireza Mandegari<sup>1</sup>, Mohammadreza Masoumi<sup>2</sup>, Jalil Nazari<sup>3</sup>

### Abstract

One of the religious poems written in India as a supplement to the book *Hamle-ye Heydari* by Bazel-e Mashhadi is entitled *Jazbe-ye Heydari*. The verse was composed by Abd ul-Ali Khan Bangali pen-named Ahsan in 1151 AH/ 1738. *Jazbe-ye Heydari* has been arranged in the poetic form of Masnavi and contains about 8000 couplets. In this work, Ahsan-e Bangali has versified the events of the period between the caliphate to the martyrdom of *Imam Ali* and the three battles of Jamel, Siffin, and Nahrawan. The present article deals with an introduction and exploration of *Jazbe-ye Heydari* and a text analysis of it, with a descriptive approach based on its manuscripts and other library sources. The research findings indicate that in narrating the events, the poet relies on the words of narrators as well as citations from the sources available. He has managed to include the literary genre “Saqi-Namah” at the beginning of his tales and has mostly used hyperbole in creating epic images. Describing the events in detail along with full descriptions of the events is quite evident throughout the poem.

**Keywords:** Ahsan-e Bangali, Jazbe-ye Heydari, text analysis



- 
1. PhD Candidate of Persian Language and Literature, Yasuj Branch of Islamic Azad University, Yasuj, Iran, email: Mandegari52@yahoo.com
  2. Persian Language and Literature Department, Yasuj Branch of Islamic Azad University, Yasuj, Iran, email of the corresponding author: Mohammadreza.Masoumi@iau.ac.ir.
  3. Persian Language and Literature Department, Yasuj Branch of Islamic Azad University, Yasuj, Iran, email: jnazari1334@yahoo.com.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

تأثیر اندیشه فردوسی و نفوذ شاهنامه وی بر ادبیات فارسی، همگام با انحطاط و زوال حماسه‌های ملی که از اواخر قرن پنجم آغاز شده بود موجب شد تا عده‌ای از شعرا به سرودن حماسه‌های صرفاً تاریخی روی آورند و عده‌ای دیگر، سروده‌های خویش را به موضوعات دینی و مذهبی اختصاص دهند. نتیجه ذوق‌آزمایی این گروه از شعرا بابتی جدید در قلمرو حماسه گشود و حماسه‌ای به نام «حماسه دینی» خلق شد. گرچه خاستگاه حماسه‌های دینی در ادب فارسی را جنگ‌های صدر اسلام دانسته‌اند (نک. رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۱۶) ولی رونق، کثرت و تنوع این نوع ادبی موجب شده است که امروزه حماسه دینی به حماسه‌ای اطلاق شود که درباره زندگی و مجاهدت‌های یکی از بزرگان دینی اعم از پیامبر (ص) یا ائمه با رجال مذهبی و یا درباره یکی از وقایع مشهور و بزرگ مذهبی سروده شده باشد (نک. شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۸۸). ذبیح‌الله صفا حماسه‌های دینی را نوعی از حماسه تاریخی می‌داند که موضوع آن‌ها زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی است که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به وجود آمده است. این منظومه‌ها بر اثر استادی و همچنین اعتقاد دینی شدید گویندگان آن‌ها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشند (نک. صفا: ۱۳۶۹: ۷). در بین این حماسه‌ها، حمله‌نامه‌ها یا منظومه‌هایی که درباره حضرت علی (ع) و نبردهای آن حضرت هستند سهم چشمگیری را به خود اختصاص داده‌اند و «بیشترین فراوانی منظومه‌های دینی متعلق به آن‌هاست» (بگ‌جانی و دبیران، ۱۳۸۹: ۴۸)؛ بنابراین به جرئت می‌توان گفت که بهره‌گیری از شعر مخصوصاً قالب مثنوی جهت ذکر مدایح علوی، یکی از راه‌های ترویج فضایل آن حضرت، اهل بیت و فرهنگ شیعی بوده است (نک. محدثی، ۱۳۸۶: ۵۳۰). این حماسه‌های دینی که شامل شرح احوال حضرت علی (ع)، حوادث دوران خلافت ایشان، معجزات و کرامات حضرت، دلاوری‌های حضرت در جنگ‌ها، شهادت ایشان و غیره‌اند اسامی گوناگون یا خاصی از قبیل «خاوران‌نامه»، «صولت صفدری»، «حربه حیدری»، «جنگ‌نامه»، «غزوات حیدری»، «افتخارنامه حیدری» و غیره دارند ولی برخی از آن‌ها نیز نام عام یا مشترک «حملة حیدری» به خود گرفته‌اند.

نخستین شاعری که نام «حملة حیدری» را برای منظومه علوی خویش برگزیده، «میرزا محمد رفیع‌خان باذل مشهدی شاهجهان‌آبادی» (م ۱۱۲۴ ه.ق.) است. این منظومه که بیشتر «از روی کتاب معارج النبوة و مدارج الفتوة تألیف معین بن حاجی محمد الفراهی به نظم درآمده است» (رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۳۴)، حدود ۲۸۰۰۰ بیت و در بحر متقارب است. باذل، غزوات پیامبر اسلام (ص) به‌اضافه بسیاری روایت‌ها و داستان‌ها

درباره کرامت‌های ایشان و جنگاوری‌ها و شجاعت‌های حضرت علی (ع)، قضیه غدیر خم، رحلت پیامبر (ص)، جانشینی خلفای راشدین و وقایع عهد آنان تا کشته شدن عثمان را به شعر درآورده بود که در دهلی به سال ۱۱۲۳ یا ۱۱۲۴ ه.ق. دار فانی را وداع گفت و کارش ناتمام ماند. «هنوز چند سالی از مرگ باذل نگذشته بود که کتاب او شهرت فراوانی یافت. به زبان‌های مختلف ترجمه شد و در امام‌باره‌ها (حسینیه‌ها)ی هند و در تکیه‌ها، خانقاه‌ها و پرده‌خوانی‌های ایران خوانده می‌شد» (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۵: ۲۶). همین شهرت موجب شد تا برخی شعرای فارسی‌گوی شبه قاره در صدد تکمیل کار باذل برآیند و به اصطلاح، تکمله‌ای بر «حملة حیدری» بسرایند که مشتمل بر وقایع عهد خلافت حضرت علی (ع)، جنگ‌های آن حضرت و ضربت خوردن و شهادت این امام همام باشد (نک. صفا، ۱۳۶۹: ۳۸۰ و همو، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۸۹)؛ به عنوان مثال می‌توان به برخی از این شعرا اشاره کرد:

#### ۱-۱-۱. آزاد کشمیری (قرن دوازدهم ه.ق.)

در منابع موجود، در مورد این شاعر شیعی کشمیری اختلاف نظر وجود دارد. آقابزرگ تهرانی و ذبیح‌الله صفا وی را با غلامعلی آزاد بلگرامی حنفی (م ۱۲۰۰ ه.ق.) یکی دانسته‌اند؛ هرمان اته و گلچین معانی وی را میرزا ارجمند آزاد کشمیری (م ۱۳۴۶ ه.ق.)<sup>۱</sup> فرزند عبدالغنی بیگ قبول کشمیری برشمرده‌اند؛ و استوری او را میرزا محمد صادق آزاد کشمیری (م ۱۱۵۹ ه.ق.) معرفی کرده است (نک. صفا، ۱۳۶۹: ۳۸۹ و آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۲۵۵ و گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۱۹۸؛ اته، ۱۳۵۶: ۶۰ و استوری، ۱۳۶۲: ۸۴۳). اما آنچه مسلم است «آزاد کشمیری» همان سراینده مثنوی دلگشانامه است که پس از اتمام این مثنوی (۱۱۳۷ ه.ق.)، به تشویق و ترغیب پسر عمّ باذل، فخرالدین محمدخان (م ۱۱۳۹ ه.ق.) تکمله خود بر حمله حیدری را سروده است:

اشارت شد از خان گردون جناب	که نامش عیان است چون آفتاب
محمد به نام و لقب فخر دین	خطابش همین، عزّ و جاهش همین
سخن سنج و فرزانه‌ای هوشمند	پسر عمّ باذل به همت بلند
مرا گفت کای شیر معنی شکار	ز پهلوت پشت سخن استوار
چو از دلگشانامه پرداختی	به کنج خموشی چرا ساختی؟
مدد جوی از حیدر نامدار	به اتمام این حمله همّت گمار
مدد خواستم از جناب علی	به اتمام این حمله حیدری

(آزاد کشمیری، بی‌تا: ۳).

آزاد در تکمله حمله حیدری خویش که حدود ۴۰۰۰ بیت دارد، از خلافت حضرت علی (ع) تا اعتراض خوارج درباره حکمیت را به نظم کشیده است (نک. درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۳: ۴۵۷ و فاضل قائینی نجفی، بی‌تا: ۳۵۳).

#### ۱-۲-۱. محب‌علی خان حکمت (قرن دوازدهم ه.ق.)

این شاعر نیز چون دو تکمله ارجمند کشمیری و شاعر دیگری به نام نجف<sup>۲</sup> را نپسندیده بوده، در سال ۱۱۴۳ ه.ق. با تعصب خاص شیعی خود به تکمیل شعر باذل پرداخته و منظومه‌ای در وصف زندگانی و شجاعت‌های حضرت علی (ع) به نام «صولت صفدری» یا «صولت حیدری» سروده است (نک. اته، ۱۳۵۶: ۶۰ و راشد محصل، ۱۳۸۹: ۹۶).

#### ۱-۳-۱. عبدالعلی خان احسن بنگالی (قرن دوازدهم ه.ق.)

این شاعر کمتر شناخته شده هم تنه‌ای بر حمله حیدری باذل نوشته است که جذبه حیدری نام دارد و مقاله پیش رو به معرفی آن اختصاص یافته است.

#### ۱-۴-۱. پسندعلی بلگرامی (قرن دوازدهم)

میر پسندعلی بلگرامی (م ۱۱۸۳ ه.ق.) متخلص به «حیدری» نیز منظومه‌ای در تکمیل حمله حیدری دارد که آن را در محرم سال ۱۱۷۲ ه.ق. و به نام وزیرالممالک، شجاع‌الدوله بهادر منصورخان سروده است. پسندعلی بلگرامی در مقدمه و در سبب تألیف کتاب آورده است که چون باذل مشهدی حمله حیدری را تا قتل عثمان سروده بود و بعد از وی احسن بنگالی تا قصه مارقین (جنگ نهروان) را به نظم درآورده و ناتمام مانده بود لذا او به سفارش یکی از دوستان، این منظومه را در ادامه کار آن دو نفر سروده است. این اثر که تاکنون دو بار در هند به چاپ رسیده است، با نام‌های «تکمله حمله حیدری» و «مجاربه غضنفری» معرفی شده است (نک. استوری، ۱۳۶۲: ۸۴۴).

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیق مستقلی درباره جذبه حیدری احسن بنگالی انجام نگرفته است اما در برخی منابع، به‌اجمال اطلاعاتی از این اثر و خالق آن دیده می‌شود به عنوان مثال، گلچین معانی در مقاله «حماسه‌های دینی» این

کتاب را در شمار پنجاه و چهار حماسه دینی فارسی آورده و از عبدالعلی خان احسن با عنوان «شاعر بنگالی» یاد کرده است (نک: گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۱۹۹). نوشاهی در فهرست نسخه‌های خطی پاکستان، به معرفی نسخه‌ای از جذبه حیدری که در موزه کراچی پاکستان نگهداری می‌شود، پرداخته است (نک: نوشاهی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۶۲۹). راشد محصل نیز در نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی به ذکر نام کتاب، سال تألیف و بیت آغازین آن بسنده کرده است (نک: راشد محصل، ۱۳۸۹: ۴۸). مؤلف تذکره گوهران شب‌چراغ نیز ذیل «شاه‌کوثر هندی» به معرفی این عارف پرداخته و ابیات و ماده‌تاریخی را که شاه‌کوثر بر جذبه حیدری نوشته، ذکر کرده است (نک: نصیرباغبان، ۱۳۹۵: ۵ تا ۹).

## ۲. بحث

### ۲-۱. احوال شاعر

از احوال و زندگی «احسن بنگالی» اطلاعاتی در دست نیست و در منابع موجود فقط به نام و تخلص وی و معرفی مختصر جذبه حیدری اکتفا شده است. نصیرباغبان به نقل از الذریعه، تخلص وی را «نیشابوری» دانسته است (نک. نصیرباغبان، ۱۳۹۵: ۵) اما نسخ خطی جذبه حیدری نشان می‌دهد که نام او «عبدالعلی خان» و «عبدالعلی خان نیشابوری»، متخلص به «احسن» و مشهور به «احسن بنگالی» است (نک. احسن بنگالی، بی‌تا: ۱). با توجه به اینکه احسن، جذبه حیدری را در سال ۱۱۵۱ ه.ق. به اتمام رسانده است (نک. گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۱۹۹)، وفات وی باید از نیمه دوم قرن دوازدهم به بعد رخ داده باشد.

### ۲-۲. معرفی اثر

این منظومه، تکمله یا تتمه حمله حیدری باذل مشهدی است که «احسن بنگالی» سرودنش را در سال ۱۱۴۴ ه.ق. آغاز کرده است (نک. آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۴۶). تعداد ابیات این اثر حدود ۸۰۰۰ بیت است (نک. نوشاهی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۶۲۹) و مانند حمله حیدری باذل، در قالب مثنوی و بحر متقارب سروده شده است.

«احسن بنگالی منظومه خود را مصدر به نام امیر بنگاله، اسدجنگ غازی» کرده (گلچین معانی، ۱۳۴۴:

۱۹۹) و ابیاتی را به مدح وی اختصاص داده است:

به عهد امیر فلک اقتدار	محیط کرم، کوه حلم و وقار
امیری که از عون فضل ودود	ز حاتم گرو برده در بذل جود

امیری که القاب نامش تمام      نگنجد در این بحر از احتشام  
 اسدجنگ غازی شجاع زمان      مطیعش به حکم خدا انس و جان  
 بود تا جهان، باد فرمانروا      به بنگاله از فضل ربّ السما  
 (احسن بنگالی، ۱۲۱۵: ۳)

پس از اتمام کتاب در سال ۱۱۵۱ ه.ق.، یکی از عرفای سلسله شطاریه به نام «شاه کوثر هندی» که به قصد زیارت نجف اشرف از بنگاله می‌گذشته، این کتاب را دیده و پسندیده است و نام «جذبه حیدری» را برای آن انتخاب کرده است. احسن در این باره چنین می‌گوید:

خدادوست‌مردی ز اهل کمال      به علم و عمل صاحب حال و قال  
 ز صهبای عرفان سرش مست شوق      به اهل طلب چاشنی‌بخش ذوق  
 ز فاتح ملقب به کوثر شده      از او فتح بابش میسر شده  
 به عزم طواف نجف بسته بار      شرف‌بخش بنگاله گشت از گذار  
 ز دیدار آن رشک مهر منیر      دلم ذره‌سان شد به مهرش اسیر  
 از این تکمله چون به سمعش رسید      به صد خواهش آن را طلب کرد و دید  
 بگفت از سر علم و دانشوری      سزد نام آن جذبه حیدری  
 چو نامی به الهام از این نام کرد      توجه به تاریخ اتمام کرد  
 (همان: ۱۰۲)

در ادامه، شاه کوثر ابیاتی در تمجید احسن بنگالی و تعریف از منظومه وی سروده و ماده تاریخ اتمام آن - یعنی سال ۱۱۵۱ ه.ق. - را با مصراع «بتو احسن، احسنت ز مولی بود» ثبت نموده است: «هُوَ الْمُسْتَعَان، این تاریخی است که قدوة السالکین، شاه کوثر، سلمه الله تعالی برای جذبه حیدری فرموده و نام کتاب را خود گذاشته‌اند...

زهی رتبه احسن آن رشک بدر      مخاطب به عبدالعلی خان ز قدر  
 سخندان، سخنگو، سخن‌آفرین      بر او آفرین آفرین آفرین...  
 مؤید به روح القدس روح او      که سرّ الهی است ممدوح او  
 ز حق خواست کز دوستی امام      کند حمله حیدری را تمام  
 به او داد توفیق، ربّ جلیل      کز او گشت مشکوژ سعی جمیل

[...] ششاه کوثری  
 به حسن قبولش چو کردم نظر  
 بگفت از سر زیرکی‌ها خرد  
 بسی نشئه فکر مرا بی‌نیید  
 به کوثر چنین نشئه در کار بود  
 که نامش دهم جذبه حیدری  
 ز تاریخ ختمش گرفتم خبر  
 «بتو احسن، احسنت ز مولی بود»<sup>۱۱۵۱</sup>  
 ز کیفیت فکر احسن رسید  
 که او نیز مداح کزّار بود  
 (نک. همان و گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۱۹۹)

### ۲-۳. نسخه‌های خطی جذبه حیدری

از جذبه حیدری، چهار نسخه در کتابخانه‌های ایران و جهان موجود است. دو نسخه در کتابخانه‌های ایران و دو نسخه در کتابخانه‌های هند و پاکستان نگهداری می‌شود:

### ۲-۳-۱. نسخه شماره ۲۴۱۰۵ کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه در سال ۱۲۱۵ ه.ق. و به خط نستعلیق در ۱۰۲ برگ مجدول کتابت شده است. متن این نسخه که فاقد افتادگی در آغاز و انجام است با جوهر مشکی در چهار ستون نوشته شده و عناوین با شنگرف قرمز در ستون‌های میانی آمده است. هر صفحه ۲۱ سطر دارد و در هر سطر، دو بیت کتابت شده است بنابراین تعداد ابیات این نسخه کامل، حدود ۸۰۰۰ بیت تخمین زده می‌شود. تمام برگ‌های نسخه رکابه دارد. برگ آغازین نسخه، مزین به سرلوح مزدوج (سرلوح و کتیبه) است و در داخل کتیبه «بسمله و تاریخ و محل تألیف کتاب» کتابت شده است. نام کاتب نسخه «نورمحمد بن ملاحق محمد» است اما درایتی آن را بدون کاتب معرفی کرده است (نک. درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۰: ۷۴).

ابیات آغازین این نسخه چنین است:

به نام خداوند عرش مجید  
 که از امر کن کرد عالم پدید  
 جهانی به این خوبی و برگ و ساز  
 پدیدار کرد از عدم بی‌نیاز  
 ز خاک و ز باد و ز آب و ز نار  
 ز ماه و ز مهر و ز لیل و زهار  
 ز صیف و شتا و بهار و خزان  
 سپهر برین، گردش اختران



در برگ پایانی نسخه، ابیات شاه کوثر هندی که ذکر آن گذشت کتابت شده است. لازم به ذکر است که کلماتی از چهار مصراع تکمله شاه کوثر پاک شده و متأسفانه تاکنون قرینه و نسخه‌بدلی نیز برای تصحیح آن به دست نیامده است. ترقیمه نسخه نیز نام کاتب و تاریخ کتابت را نشان می‌دهد:

تَمَّ

تمام از فضل رب العالمین شد به توفیق امیرالمؤمنین شد

کاتب نورمحمد دین پناه بن ملا حق ... خان یوم سه‌شنبه ۲۸ صفر ۱۲۱۵

(نک. احسن بنگالی، ۱۲۱۵: ۱ و ۱۰۲).

این نسخه، اساس کار در پژوهش پیش رو است.

### ۲-۳-۲. نسخه شماره ۶۷۹۰ کتابخانه ملی

این نسخه منضم به نسخه‌ای از حمله حیدری باذل مشهدی و به خط نستعلیق کتابت شده است اما تاریخ کتابت و نام کاتب آن نامعلوم است. اشعار در چهار ستون غیر مجداول با رنگ مشکی و عناوین وقایع با شنگرف کتابت شده است و همه برگ‌های این نسخه نیز رکابه دارد. نسخه از آخر افتادگی دارد و جمعاً ۸۵ برگ است. هر صفحه از این نسخه ۲۳ سطر دارد و در هر سطر دو بیت نوشته شده است. در صدر برگ آغازین نسخه، نام و تخلص شاعر و محل سرودن اثر بدین صورت کتابت شده است: «هُوَ الْمَسْتَعَانُ الْمَنَانُ، تکمله حمله حیدری مسمی به جذبه حیدری، تصنیف عبدالعلی خان احسن تخلص نشابوری که به تاریخ سنه هزار و یکصد و پنجاه و یک در بنگاله هندوستان به نظم آورده است» (احسن بنگالی، بی‌تا: ۱).

پایان این نسخه به واقعه خروج خوارچ و اتمام حجت حضرت علی (ع) با این مخالفین بی‌دولت

اختصاص دارد و افتادگی آن چهار برگ و حدود ۳۰۰ بیت است. آخرین بیت نسخه چنین است:

که بود اشعری پیش از آن اهل دین پس از حکم او گشت کفرش یقین

(همان: ۸۵)

### ۲-۳-۳. نسخه کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد

این نسخه به شماره A.Nm. 189/1 در این کتابخانه نگهداری می‌شود. نسخه در ۸۰ برگ و به خط نستعلیق

خفی کتابت شده است. تاریخ کتابت آن ۱۶۴ ه.ق. و نام کاتب آن شیخ رضانی است که آن را به درخواست شخصی به نام «علی تقی بن محمد تقی» کتابت کرده است. این نسخه در اثر کرم خوردگی آسیب دیده است. اشعار این نسخه نیز در چهار ستون کتابت شده و هر صفحه ۱۹ سطر دارد و ۲۱ بیت نیز در هامش برگ‌ها نوشته شده است بنابراین تعداد ابیات نسخه حدود ۷۸۰۰ بیت است که نشان از افتادگی انجام نسخه دارد. بیت پایانی آن چنین است:

که روداد عهد امام حسن به نظم آورم تا امام زمن

(نک. کتابخانه ملی، ۱۴۰۱)

#### ۲-۳-۴. نسخه موزه ملی کراچی پاکستان

این نسخه که به شماره N.M.1962-155 در کتابخانه موزه نگهداری می‌شود در قرن دوازدهم و به خط نستعلیق کتابت شده است. نسخه ۶۵ برگ دارد و عناوین اشعار در آن با شنگرف نوشته شده است. انجام نسخه افتادگی دارد و بیت پایانی اش این است:

نمودند در بذل جان اتفاق به عزم درست از کمال وفاق

(نک: نوشاهی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۶۲۹)

#### ۲-۴. متن شناسی جذبه حیدری

##### ۲-۴-۱. سرآغاز منظومه

بررسی متن جذبه حیدری نشان می‌دهد که این اثر نیز مانند دیگر حماسه‌های دینی شیعی، ابتدا با حمد خداوند آغاز شده است، سپس با نعت پیامبر اسلام (ص)، منقبت حضرت علی (ع)، منقبت ائمه هدی (ع)، یادکرد امام عصر (عج) و آرزوی فرج آن حضرت مزین گردیده است.

#### الف. تحمیدیه

تحمیدیه از مضامین رایجی است که مورد توجه شعر بوده است و اغلب شعرا در سرآغاز منظومه‌های خویش

به آن پرداخته‌اند. احسن نیز منظومه خویش را با تلمیح به آیه معروف «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲) چنین آغاز کرده است:

به نام خداوند عرش مجید      که از امر گُن، کرد عالم پدید  
جهانی به این خوبی و برگ و ساز      پدیدار کرد از عدم بی‌نیاز  
(احسن بنگالی، ۱۲۱۵: ۱)

و در ادامه ضمن برشمردن صفات باری تعالی، به عجز عقل و زبان در حمد خداوند اقرار می‌نماید:  
به توحید و تحمید آن ذوالجلال      بود عقل عاجز، زبان است لال  
(همان)

#### ب. نعت پیامبر (ص)

احسن بنگالی در نعت پیامبر اسلام نیز با اشاره به حدیث قدسی «لَوْ لَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»، ایشان را برتر از همه انبیا می‌داند تا جایی که دعای دیگر انبیا به واسطه توسل به نام پیامبر اسلام برآورده می‌شده است و زبان شاعر از وصف درخور شأن آن حضرت عاجز است:

محمد حیب خدای ودود      که ایزد به «لَو لَآك» او را ستود  
سبب ذات پاکش به خلق جهان      صفات کمالش فزون از بیان  
به قدر، اول انبیای عظام      شد آخر به ذاتش رسالت تمام  
ز آدم ببین تا مسیح و خلیل      که هر یک از این انبیای جلیل  
در انجام حاجت به وقت دعا      نبردند تا نام خیرالهورا  
اجابت نکرد آن سمیع بصیر      زهی فضل و قدر بشیر و نذیر...  
برون است وصف محمد ز حد      چو حمد خداوند حی صمد  
چه یارا که این ناتوان جهول      تواند زدن دم ز نعت رسول؟  
(همان)

**پ. منقبت ائمه (ع)**

احسن بنگالی در منقبت حضرت علی (ع)، از آن حضرت با القاب «ولّی الله، امام مبین، مظهر سطوت لایزال، قانع کفر و ضلال، خبیرگشا و ...» یاد کرده و با اشاره به شأن نزول سوره انسان (هل أتى) و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) آن حضرت را ستوده است:

علی آن که شد افسرش «هل أتى» هم از «انما» خلعتش شد عطا  
خدا بسته عقدش به روی سما ز بس لطف، با بضعه مصطفی  
نمی‌بود اگر آن امام زمان نبُد کفو خیرالنسا در جهان  
ندارد به مدحش زبانم توان چو مدح نبی، قاصرم زین بیان  
(همان)

احسن پس از یادکرد از ائمه معصومین، به موضوع غیبت امام عصر (عج) پرداخته و آرزوی درک ظهور آن حضرت را که در دل داشته بر قلم رانده است:

به امر خداوند لیل و نهار برون آی ای حجت کردگار  
برون آی ای آفتاب از غمام جهان روشن از نور خود کن تمام  
برون آی ای نور چشم رسول سرور علی سرو باغ بتول  
ز غیبت برآ ای امام مبین ز بدعت بکن پاک روی زمین  
به شرع نبی ده رواج نظام که باقی نمانده ز دین غیر نام...  
(همان: ۲)

**۲-۴-۲. سبب نظم کتاب**

احسن بنگالی سبب تألیف جذبه حیدری را با عنوان «در سبب جرأت عاجز نحیف به تألیف این نسخه شریف» آورده است. وی ضمن طلب همّت از روح باذل مشهدی، به این نکته اشاره کرده است که بعد از باذل، چندین کس به امید تحصیل اجر در صدد اتمام کار باذل برآمده‌اند اما هیچ کدام به پای باذل نرسیده‌اند. احسن

به‌اشتباه، میرزا ابوطالب موسوی فندرسکی را نخستین شاعری می‌داند که در صدد اتمام کار باذل برآمده است.<sup>۳</sup> وی در ادامه بیان می‌کند که خودش نیز به پیشنهاد و اصرار محبان دین و آواز هاتف غیبی که به گوش جان شنیده، به سرودن تکمله حمله حیدری در سال ۱۱۴۴ ه.ق. دست زده است:

به تأییدت ای قادر مستعان	به اظهار مقصد کشانم زبان
به صدق ارادت ز روی ادب	کنم همت از روح باذل طلب
محمدرفعی آن سخن‌آفرین	که بادش ز جان‌آفرین آفرین
چنان ریخت طرح بنای سخن	که بر آسمان سود پای سخن
به فردوسیش رتبه برتری	مسلم شد از حمله حیدری...
ابوطالب آن سید مستطاب	به امید تحصیل اجر و صواب
کمر بست بر نظم آن داستان	کزو باد راضی خدای جهان
دگر چند کس بعد از این همچنین	ز دانش‌وران سخن‌آفرین
نمودند بر نظم آن اهتمام	رسیدند بر طبق نیت به کام
چه در حسن طور سخن‌گستری	به باذل در این حمله حیدری
نشد هیچ کس همسر اندر سخن	یقین گشت حاصل بر اهل زمن
که ممتاز بود او به عون صمد	ز روح القدس می‌رسیدش مدد
بگفتند بعضی احبای دین	به این عاجز از حسن ظن اینچنین
به تأیید پروردگار صمد	به هر طالبی در خور او رسد
تو هم گر بکوشی به تألیف آن	بود کز کرم قادر مستعان
به تأیید خود کامکارت کند	به عون علی نامدارت کند...
به سال هزار و صد و چار و چهل	به تألیف این نسخه گشتم به‌دل

(همان: ۳)

## ۲-۴-۳. بخش تاریخی

قسمت تاریخی و اصلی منظومه با موضوع به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) آغاز می‌شود و جنگ‌های

جمل، صفین و نهر روان و وقایعی که در این میان رخ داده است را در برمی‌گیرد. منظومه با ذکر احوال ابن ملجم مرادی و ورود حضرت علی (ع) به کوفه به پایان رسیده است و از شهادت حضرت و ضربت خوردن ایشان ذکری به میان نیامده است. احسن دو جنگ جمل و صفین را به تفصیل و نبرد نهر روان را به اجمال به نظم کشیده است.

از ویژگی‌های جذبه حیدری آن است که وقایع تاریخی با تمام جزئیات در آن آورده شده است؛ این امر بیانگر آن است که احسن به امانتداری در نقل وقایع از منابع موجود پایبند بوده است، به عنوان مثال می‌توان به «بیعت کردن اصحاب با حضرت، خطبه خواندن حضرت و موعظه در وجوب عزل عمال ضلالت، کیفیت رسیدن هر یک از حکام به بلاد، شیخون زدن طلحه و زبیر به بصره و اسیر شدن عثمان بن حنیف، حکم حضرت به نبرد با ناکثین و وصف جنگ جمل، روان شدن معاویه از شام به حرب با حضرت، توصیف جنگ صفین و وقایع آن، شهادت مالک اشتر، خروج خوارج و جنگ نهر روان و غیره» اشاره کرد که همگی با ذکر جزئیات و به صورت مبسوط به نظم کشیده شده‌اند.

## ۲-۴-۴. راوی وقایع

«اغلب حماسه‌های دینی، بر اساس مأخذی ساخته شده‌اند و سراینده‌گان آن‌ها بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند و با آوردن لفظ 'راوی' و اشاره به متن مأخذ، مستند بودن اثر خود را ابراز داشته‌اند» (شهبازی، ۱۳۹۳: ۲۰۰). در جذبه حیدری نیز «راوی» یا راویان حضور دارند و احسن بنگالی وقایع تاریخی را از قول آن‌ها یا به استناد کتب سیره نقل می‌کند اما در اغلب موارد، به صورت خاص از مأخذ مکتوبی نام نمی‌برد:

در اینجا به قول عدول روایت نوشته در اکثر سیر از ثقات

(احسن بنگالی، ۱۳۱۵: ۷۷)

در اینجا روایت کنند این چنین که عمار چون شد دچارش به کین

رسیدش به یاد آن حدیث رسول که در شأن عمار کرده نزول

(همان: ۲۰)

چنین گفت راوی که چون شاه دین ظفر یافت بر فرقه ناکثین...

روایت کند راوی اینجا چنین که عثمان چو شد کشته از تیغ کین

(همان: ۲۸)

در اینجا چنین کرد راوی بیان که روزی به حکم خدای جهان

(همان: ۴۵)

روایت چنین کرد راوی به من که بعد از ورود شه دین حسن

(همان: ۴)

در سراسر این منظومه، غالباً خبری از نام و نشان راویان نیست بلکه احسن از راوی با صفات کلی «پاکدین»، «صدق کوش» و غیره یاد می‌کند تا هم بر مستند بودن اثر خویش تأکید کند و هم بر تعهد و صداقت و امانت‌داری راویان وقایع صحنه بگذارد:

کنون بشنوید این سخن را به هوش که گوید چنین راوی صدق کوش

(همان: ۴)

به نظم آرم از راوی پاکدین ز روداد پیکار با ناکنین

(همان: ۱۸)

البته در مواردی نیز دیده می‌شود که شاعر به صراحت از راویان نام برده است؛ یکی از این موارد، در واقعه «بی کردن جمل (شتر)» معروف عایشه آورده شده است. احسن بنگالی بدون ذکر نام منبع، بی‌کننده شتر عایشه را مالک اشتر می‌داند:

به امر امیر، اشتر نامور به دستش زد و اشتر آمد به سر

(همان: ۲۴)

اما در ادامه به دو روایت «ابوحنیفه» و «اعثم» و اختلاف این روایات در مورد این واقعه اشاره می‌کند؛ به گفته وی، در سیره ابوحنیفه دینوری (اخبار الطوال) پی‌کننده شتر، «اعین بن صبعه» و در تاریخ «اعثم کوفی» (الفتوح)، «عبدالرحمان [بن صره التنوخی]» است.<sup>۴</sup> احسن بنگالی بر صحت و اعتبار روایتی که خودش به آن استناد کرده است تأکید دارد:

ولی بوحنیفه ز اهل سیر به تاریخ خود می‌نویسد خبر

که اعین بن صبعه در آن جنگ بیفکند پای جمل بی‌درنگ

روایت کند اعثم آن را چنین که پای جمل را به میدان کین

به شمشیر خود عبد رحمان فکند که از کوفه بود آن یل آن ارجمند

ولسی قـول اول بـود مـعتبر بر آنـد اکـثر ز اهل سـیر

(همان: ۹ و ۱۸)

مورد دیگر، در ذکر نام قاتل «عبدالله بن عمر» است که احسن بنگالی آن را از تاریخ ابوحنیفه نقل می‌کند (همان: ۶۹) و این دو مورد نشان می‌دهد که گویا پایبندی شاعر به این منبع بیش از دیگر منابع بوده است.

#### ۲-۴-۵. ساقی نامه‌ها

سرودن ساقی نامه در خلال منظومه‌های تاریخی و حماسی، متأثر از نظامی گنجوی است که برای نخستین بار در آغاز یا انجام داستان‌های کتاب اسکندرنامه، ابیات پراکنده‌ای خطاب به ساقی یا مغتی سروده است (نک. صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۳۳۴). سراینندگان حماسه‌های دینی نیز غالباً به سرودن این نوع ادبی در منظومه‌های خویش پرداخته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به راجی کرمانی اشاره کرد که حدود پنج درصد از حمله حیدری سی هزار بیتی خویش را به ساقی نامه اختصاص داده است.

سراینندگان این نوع ساقی نامه‌ها اغلب دو هدف را دنبال می‌کرده‌اند: یکی عوض کردن فضای رزمی یا تاریخی این گونه آثار و شکستن یکنواختی متن جهت رفع ملال و خستگی مخاطب؛ دوم مقدمه‌چینی و فضا سازی برای ورود به عرصه حوادث تاریخی و حماسی. (نک. مدبری، ۱۳۸۰: ۳۳۸ تا ۳۴۲). بررسی ساقی نامه‌های جذبه حیدری نیز نشان می‌دهد که احسن بنگالی بیشتر هدف دوم را در نظر داشته است و از ساقی نامه‌ها به عنوان براءت استهلال در آغاز خلافت حضرت علی (ع) و ابتدای سه نبرد مهم جمل، صفین و نهروان استفاده کرده است.

نخستین ساقی نامه جذبه حیدری، براءت استهلال واقعه خلافت حضرت علی (ع) با عنوان «در تهنیت نوروز مبارکباد و جشن جلوس میمنت مأنوس حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین به جای حضرت سیدالمرسلین» است. این ساقی نامه هفده بیتی تنها ساقی نامه منظومه است که همراه با «باغبان نامه» (۶ بیت)، «مغتی نامه» (۴ بیت) و «مطرب نامه» (۴ بیت) آمده است. احسن بنگالی از ساقی می‌خواهد تا از همان می که به باذل مشهدی چشانده است به او نیز عطا کند؛ می معجزه‌آسایی که عین عرفان است و یک قطره از آن به خورشید نور می‌بخشد. از متن این ساقی نامه چنین برمی‌آید که ساقی مورد خطاب احسن همان ذات باری تعالی است:

بیا باغبان باغ را درگشا بگو خیرمقدم به بیک صبا...



مغنی بیانغمه را ساز کن	به رویم در خرمی باز کن...
بیامطرب ای مایه انبساط	بخوان چند بیتی ز روی نشاط
که از فضل پروردگار مجید	خلافت به شاه ولایت رسید...
بیاساقی ای از تو دل‌ها به کام	به احسان تو معترف خاص و عام
جهان جمله محتاج انعام تو	زداید ز دل زنگ، اکرام تو
چه روزی است نوروز فرخ ز سال	که ساقی کوثر به عز و جلال
نشسته به دولت به صد احترام	به جای محمد علیه‌السلام
بیاساقی از بهر جشن چنین	به ترتیب خم‌های می را بچین
از آن می که سرگوش ایمان بود	از آن می که آن عین عرفان بود...

(همان: ۳)

ساقی‌نامه دوم و سوم در ابتدای جنگ جمل و در نه بیت سروده شده است. احسن در این ساقی‌نامه خود را مبارزی می‌پندارد که قرار است با کمک ساقی به میدان جنگ قدم گذارد و با به جولان در آوردن کمیت قلم، وقایع هر نبرد را به نظم بکشد به همین دلیل، این ساقی‌نامه لحن حماسی به خود گرفته است.

بیاساقی از بهر دفع خمار	به من ده از آن باده خوشگوار
که تحریر احوال اهل ستم	مکدر نموده است طبعم ز غم...
بده ساقی آن باده لعل‌رنگ	که افتاده راهم به میدان جنگ
دماغم شود چون از آن باده ساز	کنم بر سر ناکتین ترکناز
در آرم به جولان کمیت قلم	به حرب جمل بفرارم علم
به کار آورم تیغ تیز زبان	بگیرم به کف خامه را چون سنان
به نظم آرم از رزم سالار دین	به نوعی که رو داده باناکتین

(همان: ۹ و ۱۸)

ساقی‌نامه چهارم با عنوان «خطاب فرمودن به ساقی» در ۲۱ بیت و ساقی‌نامه پنجم در ۱۴ بیت، در مقدمه جنگ صفین سروده شده‌اند. احسن در این دو ساقی‌نامه نیز از ساقی مدد می‌خواهد که وی را از ایام لطف خویش بهره‌مند سازد تا به میدان صفین قدم گذارد:

بیا ساقی ای مایه هر سرور      بیا ای ز مهر تو در سینه نور  
 به امید عون تو ای جان نواز      سوی شام دارم سر ترک تاز  
 به میدان صفین گذارم قدم      کمیت قلم را کنم بر قدم  
 به نعل سمند سیه سم [و] ساق      بکوبم سر و پشت اهل نفاق  
 (همان: ۲۸)

بیا ساقی ای ابر دریا همم      بیا ای کف کان جود و کرم  
 نم فیض خود را بر این خاکسار      بیفشان که جوشد از او صد بهار  
 که در رزم صفین به تیغ زبان      در اقلیم معنی شوم حکمران  
 به تأیید یاری ده مستعان      ز صفین کنون سر کنم داستان  
 (همان: ۵۰)

آخرین ساقی نامه جذبه حیدری در آغاز جنگ نهروان با عنوان «تمهید شروع غزوه نهروان به عون و عنایت پروردگار جهان» و در ۱۵ بیت آمده است. شاعر در این ابیات نیز با لحن حماسی و با استعانت از ساقی، در صدد است تا با تیغ زبان، دمار از خوارج بر آورد:

بیا ساقی ای عیسوی دم بیا      بیا ای مس قلب را کیمیا  
 به غیر از جناب تو ای دستگیر      ندارم کسی را ظهیر و نصیر  
 دماغ مرا از کرم ساز کن      به رویم در فیض را باز کن  
 چو طبعم به جوش آید از سرخوشی      ببندم کمر بر خوارج کشی  
 حسام زبان را کنم آبدار      برآرم ز جان خوارج دمار  
 ز خون خوارج به تیغ زبان      کنم جاری انهار در نهروان  
 (همان: ۹۲)

گرچه ساقی نامه های جذبه حیدری حدود یک درصد از کل منظومه را شامل می شود ولی همین ابیات

معدود (۸۵ بیت) نشان می‌دهد که احسن بنگالی این نوع از ادب غنایی را در خدمت حماسه گرفته است و به‌خوبی از عهده این مقصود برآمده است.

#### ۲-۴-۶. اشعار حکمی و اخلاقی

سرایندگان منظومه‌های حماسی هر گاه فرصتی می‌یابند مضامین تعلیمی، پند و اندرز، حکمت و موعظه را چاشنی کلام خویش می‌سازند. احسن بنگالی نیز در خلال روایات و به مقتضای حال و مقام، ابیاتی را به این درونمایه‌ها اختصاص داده است. ایجاز در بیان مضامین حکمی در جذبه حیدری یادآور کلام حکیمانه فردوسی است، به عنوان مثال، احسن در داستان شیخون زدن طلحه و زبیر و اسیر شدن عثمان بن حنیف، به گردش روزگار و بی‌وفایی فلک اشاره می‌کند و اینکه شخص خردمند به مهر و کین آن اعتماد نمی‌کند:

گرفتار گردید در دشت کین      بود گردش روزگار این چنین  
یکی را به عزت دهد اعتبار      یکی را به ذلت کند خوار و زار  
یکی را برآرد به چرخ بلند      یکی را درآرد به زندان و بند  
به مهر و به کین سپهر اعتماد      ندارد خردمند پاک اعتقاد

(همان: ۸)

یا در جای دیگر در مورد مرگ که از آن گزیر نیست چنین می‌آورد:

بدانید دارد اجل ای انام      به قصد شما جد و جهد تمام  
مقیم و مسافر ز چنگ اجل      رهایی نیابد به مکر و حیل  
سلامت نماند کسی از فرار      فرار است مستلزم عار و نار

(همان: ۱۸)

#### ۲-۴-۷. به‌کارگیری عناصر طبیعت

احسن بنگالی که توصیف با ذکر جزئیات را در سراسر منظومه مد نظر دارد، در بسیاری از این وصف‌ها از عناصر طبیعت برای تصویرسازی و غنا بخشیدن به توصیف‌ها بهره برده است، مثلاً در نعت حضرت علی (ع)

و وصف خطبه کردن ایشان بر منبر، عناصر فلکی و اجرام سماوی را به خدمت می‌گیرد تا بر عظمت موضوع و اجلال حضرت علی (ع) تأکید نماید:

به منبر برآمد چو خور بر سپهر  
ز مهرش جهان را برافروخت چهر  
مه و مهر هر یک پی کسب نور  
چو ذره تپان در هوایش ز دور  
عطارد گرفته قلم را به کف  
به تحریر امر امیر نجف  
شده مشتری در سعادت علم  
که در طاعتش کرده سر از قدم  
به کسب فیوضات انفاس پاک  
چو زهره به رق اندر آمد سماک  
به حکمش ستاده به چرخ برین  
زحل بهر اصغای آن و عظم و پند  
مسیح از چهارم فلک داده گوش  
ز شوق شنیدن ملایک خموش  
(همان: ۲۷)

احسن غالباً در آغاز و پایان روزهای نبرد، به توصیف طلوع و غروب خورشید می‌پردازد. تصویرسازی‌ها و لحن حماسی در این توصیف‌ها که به احتمال قریب به یقین متأثر از فردوسی است نیز درخور توجه می‌نماید:

چو روز دگر لعبت ز زنگار  
بر این طاق فیروزه گشت آشکار  
دم نای چون نفخ صور نشور  
به ذرات عالم برفکنند شور  
(همان: ۶۸)

سحرگه چو خور تیغ کین برکشید  
شد انجم ز ضمن فلک ناپدید

(همان: ۶۹)

پراشوب گشت آن چنان دشت جنگ  
که خورشید را رفت از روی، رنگ

نهان کرد رخ آفتاب منیر  
شب آمد جهان تار شد همچو قیر

(همان: ۷۱)

## ۲-۴-۸. اغراق

اغراق را می‌توان مناسب‌ترین اسباب برای خلق تصاویر حماسی دانست. در منظومه جذبه حیدری نیز شواهد فراوانی از اغراق‌های شاعرانه دیده می‌شود که در غنا بخشیدن به روح حماسی اثر خلق گردیده‌اند. مثال:

ز بس گشته افتاد هر سو نگون      روان شد در آن دشت کین، رود خون

(همان: ۸)

کشیدند شمشیر کین ناکثین      ز سیلاب خون گشت جیحون زمین

(همان)

ز بس قتل و غارت شد از حد برون      روان گشت در بصره سیلاب خون

(همان: ۹)

ز بس گشته افتاد بر روی هم      شد از بار، گاو زمین پشت‌خم

(همان: ۴۹)

درفشی برافراخت تابان ز نور      که در جنب آن ذره‌ای بود هور

(همان: ۴۹)

ز سُم ستوران در آن رزمگاه      هوا گشت از گرد، ابری سیاه

(همان: ۸)

## ۳. نتیجه‌گیری

جذبه حیدری نام یکی از منظومه‌های دینی است که احسن بنگالی آن را در فاصله سال‌های ۱۱۴۴ تا ۱۱۵۱ ه.ق. و در تکمیل حمله حیدری باذل مشهدی سروده است. در این منظومه، جنگ‌های جمل و صفین به تفصیل و نبرد نهر روان به اجمال به رشته نظم کشیده شده است. ذکر وقایع تاریخی همراه با جزئیات، از پایبندی شاعر به منابع مکتوب و شفاهی و راویان سیره‌پرداز حکایت دارد. متن منظومه نشان می‌دهد که احسن بنگالی از دو کتاب الفتوح ابن اعثم کوفی و اخبار الطوال ابوحنیفه دینوری استفاده کرده است. در این منظومه نیز مانند اغلب منظومه‌های حماسی و دینی، «ساقی‌نامه» به چشم می‌خورد. احسن این نوع ادبی غنایی را به‌عنوان براءت استهلال و مدخل داستان‌ها به خدمت حماسه گرفته است. ساقی در ساقی‌نامه‌های جذبه حیدری «ذات خداوند» است و شاعر که در عالم خیال و عرصه شعر، خود را در دل نبردها حاضر

می‌داند از ساقی ازلی و ابدی مدد می‌جوید تا بتواند حق مطلب را در منظومه خویش ادا کند. احسن بنگالی در صحنه‌های مختلف و پرداختن به وقایع، به «توصیف» توجه خاص دارد و در این راستا، بیشترین استفاده را از اغراق‌های شاعرانه نموده است. در این منظومه، توصیف عناصر طبیعت مخصوصاً طلوع و غروب خورشید با رنگ حماسی همراه است. احسن بنگالی به اشعار حکمی و اخلاقی نیز توجه دارد و هر جا مجال می‌یابد فردوسی‌وار به این مضامین می‌پردازد و بی‌وفایی فلک، غیر قابل اعتماد بودن دنیا، محتوم بودن مرگ و غیره را گوشزد می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در منابع موجود، تاریخ وفات ارجمند کشمیری سال ۱۱۳۴ ه.ق. دانسته شده است اما خود شاعر، سال آغاز نظم دلگشانه را ۱۱۳۱ ه.ق. و زمان اتمام سرودن این مثنوی را شش سال بعد یعنی سال ۱۱۳۷ ه.ق. ذکر کرده است:

«به عهد امیر فلک اقتدار محیط کرم، کوه حلم و وقار  
چو من ابتدا کردم این نامه را به نام خداوند روز جزا  
ز هجرت هزار و صد و سی و یک سنه بود تحقیق بی ریب و شک...  
بحمدالله این نامه اتمام یافت زبانم به نام خدا کام یافت  
به ترتیب این نامه دلگشا کشیدم به شش سال من رنجهها  
(آزاد کشمیری، ۱۱۸۴: ۱۰ و ۴۷۶)

بنابراین، یا تاریخ ۱۱۳۴ ه.ق. به‌عنوان سال فوت شاعر صحیح نیست یا ارجمند کشمیری سراینده دلگشانه نیست. ۲. در بسیاری از منابع، میرزا ابوطالب بن میرزا بیک موسوی فندرسکی اصفهانی استرآبادی (م ۱۱۲۴ ه.ق.) نیز یکی از شعرای تکمیل‌کننده حمله حیدری باذل معرفی شده است (نک. طاهری برزکی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). اثر وی که با نام‌های «تکمله حمله حیدری»، «جذبه حیدری»، «ضربت حیدری»، «غزوات حیدری» و «منظومه غزوات» در منابع موجود به ثبت رسیده است حدود ۵۰۰۰ بیت است. ظاهراً در سال ۱۱۳۵ ه.ق. شخصی به نام یا تخلص «نجف»، که احتمالاً از خادمان حضرت علی (ع) در نجف اشرف بوده، نسخه‌ای از این منظومه را یافته و آن را هم از نظر تاریخ و هم از نظر ترتیب حوادث، مطابق بخش ناتمام کتاب باذل دیده است و چون آرزوی کامل کردن حمله حیدری باذل را در سر داشته است، این نسخه را با سرودن و گنجاندن ابیاتی از خویش به کتاب حمله حیدری باذل الصاق کرده است (نک. اته، ۱۳۵۶: ۶۰؛ بگ‌جانی و دبیران، ۱۳۸۹: ۵۸ و عبدالهی کچوسنگی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)؛ بدین سان ابوطالب اصفهانی نیز به‌اشتباه، در زمره این شعرا قرار گرفته است درحالی‌که وی قبل از باذل، اثر خود را در تاریخ حضرت علی (ع) سروده بود (نک. توفیق سبحانی، ۱۳۷۷: ۵۲۹). نجف برای اتصال این دو اثر، ابیات آغازین منظومه میرزا ابوطالب را که در تحمیدیه خداوند، مدح پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و شاه‌سلیمان است، حذف کرده و سی‌وپنجم بیت از سروده‌های خود را جایگزین آن‌ها نموده است، بنابراین نمی‌توان «نجف» را مانند شعرابی که تکمله‌های مفصلی بر حمله حیدری باذل سروده‌اند، ادامه‌دهنده کار باذل به شمار آورد.

۳. در کتاب الفتوح ابن اعثم چنین آمده است: «امیرالمؤمنین آواز داد پی آن شتر گیرید و آن را پی کنید که آن را شیطان نگاه داشته است. اصحاب به طرف شتر دویدند، عبدالرحمان بن صرة التتوخی در رسید و شمشیری بر پای شتر زد و هر دو پای پیش او را پی کرد» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۴۳۶).

## منابع

- آزاد کشمیری (۱۳۵۴ ه.ق.) دلگشنامه. نسخه خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۸۷۹۱.
- آزاد کشمیری (بی‌تا) تکمله حمله حیدری، نسخه خطی، کتابخانه ملی تبریز، ۲۵۴۱.
- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن (۱۴۰۳ ق) الذریعه إلى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاصفاء.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۷۲) الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- اته، هرمان (۱۳۵۶) تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احسن بنگالی، عبدالعلی خان (۱۲۱۵ ق.) جذبه حیدری، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ۲۴۱۰۵.
- احسن بنگالی، عبدالعلی خان (بی‌تا) جذبه حیدری، نسخه خطی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۶۷۹۰.
- استوری، چارلز امبروز (۱۳۶۲) ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه از روسی به انگلیسی: یو. ا. برگل، ترجمه به فارسی: یحیی آرین‌پور و همکاران، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بگ‌جانی، عباس و حکیمه دبیران (۱۳۸۹) «کتابشناسی منظومه‌های دینی درباره امام علی (ع)»، مطالعات و تحقیقات ادبی، ش ۱۰، ص ۴۷ تا ۶۹.
- توفیق سبحانی، هاشم (۱۳۷۷) نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱) فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹) نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۱) قلمرو ادبیات حماسی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.
- شهپازی، اصغر (۱۳۹۳) «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی»، آینه میراث، ش ۵۵، ص ۱۸۳ تا ۲۱۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹) حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
- طاهری برزکی، سیدمرتضی (۱۳۹۱) «نگاهی کوتاه به منظومه‌های حماسی-مذهبی در شعر فارسی و آغاز آن‌ها»، پژوهشنامه ادب حماسی، س ۸، ش ۱۴، ص ۱۱۹ تا ۱۳۰.
- عبدالهی کچوسنگی، علی‌رضا (۱۳۸۹) «منظومه غزوات، تکمله حمله حیدری یا اثری مستقل»، آینه میراث، ش ۴۹، ص ۱۲۳ تا ۱۴۴.
- فاضل قائینی نجفی، علی (بی‌تا) معجم مؤلفی الشیعه، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشفی خوانساری، علی (۱۳۸۵) حمله‌سرایی و حمله‌خوانی. تهران: حوا.
- کتابخانه ملی، تارنمای تخصصی. (آخرین بازنگری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۱) <<https://script.nlai.ir/result/MSmeprTP>>
- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۴) «حماسه‌های دینی»، نامه آستان قدس، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۱۹۳ تا ۲۰۳.

- محدثی، جواد (۱۳۸۶) فرهنگ غدیر، قم: نشر معروف.
- مدبری، محمود (۱۳۸۰) «تاریخچه ساقی‌نامه‌سرایی»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت ملابمانعلی راجی کرمانی، با کوشش یحیی طالبیان، کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان و مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی، ص ۳۳۷ تا ۳۴۸.
- نصیریباغبان، حسین (۱۳۹۵) تذکره گوهران شیخراغ، تهران: ارمغان تاریخ.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۶) فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۳، تهران: میراث مکتوب.

